



پویان شسروبعته، روایت رفتار ضدبشری رژیم سعودی با گروه‌های مخالف واقلیت‌ها بویژه شیعیان در این کشور، موضوع جدیدی نیست. اما در چند سال گذشته و با روی کار آمدن ملک سلمان و به قدرت رسیدن ولیعهد سعودی که برخی معتقدند محصول سناریوی برآمده از سیاست‌های واشنگتن در قبال ریاض بود، رفتار نیروهای نظامی و امنیتی رژیم سعودی و برخورد‌های غیراخلاقی و ضدبشری با گروه‌های مخالف از جمله شیعیان شدت بی‌نظیری پیدا کرده است. این واقعیت در حالی روند رو به رشد خود را طی می‌کند که به نظر می‌رسد مخالفت‌ها با قدرت گرفتن بن‌سلمان و دنبال کردن سیاست‌های وی در قبال منطقه در عربستان لوچ گرفته و ترس این رژیم را از اقدامات احتمالی مخالفان بسیار افزایش داده است. در این بین دلایلی همچون شکست‌های پی‌درپی در سیاست‌های منطقه‌ای نیز خود چالشی جدی در حوزه امنیت داخلی عربستان را در پی داشته که زمینه‌ساز واکنش‌های خشن‌تر آنها شده است. گزارش‌های مستند از سوی فعالان حقوق‌بشری درباره رفتار رژیم آل سعود با زان‌نابینان، روایت‌های وحشتناک و دردآوری را نشان می‌دهد که پیش از این مشابه به آن را فقط در زندان‌های همچون «بوغریغ» و «کواتنامو» شنیده بودیم. در برخی از این گزارش‌ها حتی مشاهده می‌شود مأموران این رژیم در برخورد با گروه‌های مخالف هیچ تفاوتی میان کودکان، زنان و اقشار مختلف جامعه قائل نیستند و در بسیاری موارد نیز روند تفهیم اتهام، برگزاری دادگاه، حق برخورداری از وکیل، اطلاع به خانواده و نزدیکان درباره وضعیت زندانی و بسیاری دیگر از حقوق اولیه به کلی نادیده گرفته می‌شود. در حالی که گزارش‌های حقوق‌بشری از داخل سرزمین عربستان بیانگر رفتار غیرانسانی و ناقض قوانین مصوب بین‌المللی در حوزه حقوق بشر است، برخی اسناد به دست آمده حکایت از رفتارهای ظالمانه رژیم آل سعود و تمرکز بیشتر آن روی ساکنان مناطق «قطیف» و «حسا» دارد، مناطق شیعه‌نشین که نقض حقوق و آزادی‌های ساکنان این مناطق از مدت‌های در عربستان رواج داشته است. در یکی از گزارش‌های منتشر شده از سوی یکی از منابع مخالف رژیم سعودی به نمونه‌ای به نام «محمد عصام الفرج» اشاره شده است که کودکی ۱۰ ساله بوده و زمانی که برای زیارت مرقد مطهر پیامبر(ص) از خانه خارج

می‌شود بدون هیچ دلیل و سابقه‌ای از سوی مأموران امنیتی بازداشت شده و ۱۰ ماه بدون اطلاع خانواده‌اش در سلول انفرادی شکنجه شده است. به روایت نزدیکان این کودک و آنگور که در این اسناد منتشر شده است، وی بعد از زیارت مرقد رسول اکرم(ص) در مدینه در حالی که با یک تاکسی قصد رفتن به نقطه دیگری از شهر را داشته بیکاره از سوی مأموران امنیتی محاصره شده و با زور اسلحه به بازداشتگاه منتقل شده است. بازداشت طولانی‌مدت، بی‌دلیل و غیرقانونی محمد، بدون هیچ اطلاعی به خانواده و حق برخورداری از وکیل و همچنین بدون برگزاری دادگاه انجام شده و حبس طولانی‌مدت وی سبب شده است او نه‌تنها از حضور در قبال‌های درس در سال تحصیلی جدید بازماند، بلکه آثار ناشی از برخورد غیرانسانی دستگاه امنیتی سعودی باعث بروز اختلالات روانی در وی شده است. در شرایطی که محمد عصام الفرج حتی از دلایل دستگیری و اتهام خود بی‌خبر است، سرویس امنیتی عربستان ماه‌ها فشار غیرقانونی و شکنجه را به وی تحمیل کرده است. این قبیل قباجع در حالی به وقوع می‌پیوندد که طنز حمایت سعودی از حقوق‌بشر و نشانه‌روی به سوی تهران به عنوان ناقض این حقوق، باعث ایجاد خبرسازی در برخی رسانه‌های غربی شده است.

■ **رشد ۲۷ درصدی اعدام و گردن زدن در آستانه پادشاهی بن‌سلمان**

فعالان حقوق‌بشری با ارائه گزارش‌هایی از گردن زدن مخالفان در عربستان به نقض این حقوق در مملکت عربستان پرداخته‌اند و حتی در برخی موارد پا را فراتر گذاشته و سران رژیم سعودی را به اجزای قتل‌های وحشیانه مهندسی شده با اسناد به مفاد قانونی در عربستان متهم کرده‌اند. بر اساس این آمارها نیروهای امنیتی رژیم سعودی در ۳ ماهه اول سال ۲۰۱۷ میلادی اقدام به ۲۲ مورد گردن زدن کرده‌اند که این آمار در ۳ ماه نخست سال ۲۰۱۸ میلادی با رشد ۲۷ درصدی به ۲۹ مورد رسیده است. در این گزارش که توسط «سازمان اروپایی- عربستانی حقوق‌بشر» منتشر شده است، همچنین درباره تابعیت ۳۹ فردی که در ۳ ماه نخست سال ۲۰۱۸ در عربستان گردن زده شده‌اند گفته شده که فقط ۲۱ نفر از آنها تابعیت عربستان را داشته‌اند و مابقی تابعیت دیگر کشورها را داشته و حتی افراد بدون تابعیت نیز در

این پروسه یافت می‌شوند که خود قابلیت طرح در محاکم بین‌المللی به عنوان جنایت علیه بشریت را دارد. آمارهای ارائه شده درواقع با استناد به منابع رسمی عربستانی بوده و این احتمال وجود دارد دولت سعودی مواردی از گردن زدن را به صورت پنهان و درباره افراد بدون تابعیت اجرا کرده باشد. این احتمال زمانی قوت بیشتری پیدا می‌کند که بر اساس گفته برخی منابع مخالف رژیم سعودی در طول سال‌های قبل افراد زیادی وجود دارند که بدون هیچ دلیل و برهان مستدلی گم شده و پس از گذشت مدتی در لیست افراد فوتی پیدا شدند. در این گزارش همچنین اشاره شده اعدام‌های انجام شده در عربستان در شرایطی صورت می‌گیرد که بسیاری از اعدام‌شدگان بعد از دستگیری فقط دوران بازداشت، شکنجه و زندان انفرادی را تجربه کرده‌اند و این پروسه تا انجام اعدام بدون هیچ‌گونه رعایت اصول و قوانین قضایی از جمله حق برخورداری از وکیل انجام شده است. آمارهای نگران‌کننده دیگری نیز وجود دارد که برخی سازمان‌های حقوق‌بشری دارای کرسی مشورتی در شورای حقوق‌بشر سازمان ملل به آنها اشاره کرده‌اند که از جمله می‌توان به اعدام کودکان اشاره کرد. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی سازمان اروپایی- عربستانی حقوق‌بشر ۴۲ نفر در سال ۲۰۱۸ نوبت اعدام هستند که ۸ نفر آنها را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که عربستان سعودی منشور حقوق کودک سازمان ملل را امضا کرده که در آن اعدام کودکان، قاطعانه ممنوع اعلام شده است. رفتارهای اخیر عربستان در نقض حقوق‌بشر آنچنان گسترده شده است که حامیان غربی این رژیم نیز در گزارشات حقوق‌بشری خود به برخی از موارد اشاره کرده و عربستان را به تغییر رفتار دعوت می‌کنند. برخی گزارشات نیز از این سنأله حکایت دارند که با افزایش اعتراضات به رفتار رژیم سعودی، دستگاه امنیتی این کشور نه‌تنها هیچ تغییری در رفتارهای خود با مخالفان ایجاد نکرده، بلکه از شیوه‌های جدیدی برای پنهان کردن اقدامات و از بین بردن آثارش استفاده می‌کند. اما آنچه مسلم است اینکه فقط در شرایطی می‌توان از ادامه روند ظالمانه رژیم سعودی علیه شهروندا‌ش جلوگیری کرد که اقدامی قاطع و دارای پشتوانه اجرائی از سوی مجامع بین‌المللی در قبال رفتارهای ضدبشری رژیم سعودی انجام شود.

■ **شکنجه و جنایت، تنها شیوه دستگاه امنیتی ناکارآمد سعودی**

شیعیان در عربستان همواره به عنوان یک اقلیت مذهبی تحت فشار حاکمیت رژیم سعودی بوده‌اند. رژیمی که از لحاظ ایدئولوژیک و حتی در برخی موارد اجرائی در دستان وهابیت قرار دارد و بر همین اساس متناسب با آموزه‌های ایدئولوژیک وهابیت در ساختار سیاسی سعودی علاوه بر نقض حقوق‌بشر شاهد تبعیض در گستره نامحدودی نیز هستیم. در همین راستا می‌توان به مناطق قطیف و احسا در شرق عربستان اشاره داشت که به عنوان مناطق شیعه‌نشین علاوه بر برخورداری خشن و بی‌رحمانه دستگاه امنیتی، حتی از برخورداری از حق معنای یکی از مناطق نفت‌خیز مهم سعودی نیز محروم مانده‌اند. این قبیل برخورد‌ها برآمده از مؤلفه‌های اعتقادی در بدنه حاکمیت سعودی است که نه‌تنها قوانین شهروندی را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه به دلیل وجود مذهب تشیع در میان ساکنان این مناطق، نااهد



بررسی ساختار حاکمیت عربستان سعودی، از اتحاد با وهابیت تا اختلافات امروز

فروپاشی یک اتحاد یا سناریوی انتقال قدرت



شوون زندگی زنان صادر کرده‌اند باعث شده عملاً زنان از اجتماع حذف شده و در عمل نیمی از جامعه عربستان به طور کلی در انزوا، بی‌توجهی و به معنی واقعی کلمه به فراموشی سپرده شود.فتاوای همچون عدم امکان رانندگی، عدم امکان حضور در اجتماع بدون همسر یا پدر یا قیم، عدم امکان مراجعه به سیستم قضایی تا مسائل متضکی همچون ممنوعیت دست زدن به میوه‌هایی همچون موز و خیار(۱) و استفاده از کولر یا خوابیدن در کنار دیوار با این‌س عنوان که دیوار مذکر است و بسیاری دیگر از این دست فتاوا، زنان را در جامعه عربستان به کلی نادیده گرفته است. حمایت تمام و کمال حکام آل‌سعود از این قبیل فتاوا، ضمانت اجرائی محکمی برای آن ایجاد کرده و سال‌های متمادی زنان عربستان را مصداق بی‌نظیر نقض ابتدایی‌ترین حقوق انسانی در دنیا قرار داده است. سرایت رفتارهای مشابه آنچه در طول ۸ دهه گذشته در

تأملات

گزارش «وطن امروز» از نقض حقوق بشر در عربستان

کودکان در انتظار اعدام ریاض مخوف‌تر از ابوغریب

بروز اشکال مختلفی از تبعیض و محرومیت در این مناطق هستیم. وهابیت و رژیم سعودی همواره از سوی شیعیان این کشور احساس خطر کرده‌اند و برای جلوگیری از خطرات احتمالی غیر از محرومیت و محدودیت برای اهالی قطیف و احسا، دستگاه اطلاعاتی و امنیتی عربستان همیشه مأمور بوده تا فعالیت شیعیان را زیر نظر داشته باشد و با هر تحرک مشکوک برخورد کند. اما دستگاه امنیتی و اطلاعاتی ناکارآمد سعودی به جای انجام کارهای اطلاعاتی برای شناسایی اقدامات مشکوک(۱) شیوه ارعاب، شکنجه و جنایت را در پیش گرفته است. درواقع ناتوانی این سیستم در انجام مأموریت‌هایش سبب شده به روش‌های مرسوم چند قرن پیش عمل کرده و جنایات کهن‌نظیری را در سلیقه رژیم سعودی بر جای گذارد. با توجه به خطری که سعودی‌ها از سوی شیعیان اقلیت و بی‌دفاع عربستان احساس می‌کنند، بر اساس یک قانون عرفی اما ضدبشری زیارت مرقد رسول خد(ص) در مدینه را برای شیعیان ممنوع کرده‌اند. به‌طور کلی ورود شیعیان به شهر مدینه، اغلب با واکنش نیروهای اطلاعاتی و امنیتی سعودی روبه‌رو می‌شود که در برخی موارد عواقب جبران‌ناپذیری از جمله بازداشت غیرقانونی، حبس طولانی‌مدت، شکنجه و آزار روحی و جسمی در انتظار شیعیان قرار دارد. ناتوانی دستگاه اطلاعاتی و امنیتی سعودی در شناسایی تهدید و خطر یا برنامه‌های احتمالی علیه این رژیم، سبب شده آنها در برابر ورود به یک از شیعیان به مدینه واکنش نشان دهند. مأموران اطلاعاتی سعودی در مواردی که موفق به شناسایی شیعیان عربستانی در مدینه می‌شوند، تنها یک روش برای واکنش بلندن و آن دستگیری و شکنجه است. این دستگیری‌ها هیچ محدودیتی در نوجوانان، زنان و حتی کودکان نداشته و ندارد. مسأله‌ای که بروشنی از سوی فعالان حقوق‌بشر با طرح موضوع محمد عصام به منصفه ظهور رسیده و از آن به عنوان نمونه کاملی یاد کرده‌اند. بر همین اساس و در راستای تشریح وضعیت حقوق اقلیت‌ها در کشور سعودی، آژانس حقوق‌بشری اروپا در گزارش‌هایی آورده که در اغلب موارد خانواده فرد دستگیر شده تا مدتی طولانی از سرنوشت فرزند خود مطلع نیست و در این مدت نیز فرد دستگیر شده در سلول انفرادی بدون تفهیم اتهام، برگزاری دادگاه و حق استفاده از وکیل، فقط تحت فشار و شکنجه جسمی و روانی قرار می‌گیرد. در پایان نیز فرد با حکمی که بدون برگزاری دادگاه صادر شده و در همان مرحله اول نیز تأیید شده است، سال‌های طولانی از برخی حقوق طبیعی اجتماعی نظیر خارج شدن از مشق محل سکونت خود محروم می‌شود. یکی از ده‌ها و شاید صدها مصداق این رفتار دستگاه اطلاعاتی و امنیتی سعودی درباره «محمد حسن النمر» اینجاست که جوانی ۱۹ ساله و از اعضای خانواده آیة‌الله شهید شیخ نمر است. وی که برای زیارت وارد شهر مدینه شده است، بعد از خروج از مرقد مطهر پیامبر(ص) توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده و به زندان منتقل می‌شود. وی در مدت ۱۰ ماه زندان سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرده که از جمله آنها ساعت‌ها آویزان بودن از سقف سلول، ضرب و جرح شدید، فشارهای روحی و حتی یک مورد تنه حرمت بوده است.

■ **دربار سعودی منشأ خشونت و جنایت تشکیلاتی**
نهاد امنیتی و اطلاعاتی سعودی در عربستان مستقیم با پادشاه در ارتباط بوده و از زمان قدرت‌گیری محمد بن‌سلمان مستقیماً زیر نظر

گزارش «وطن امروز» از روند همکاری تا تقابل وهابیت و آل‌سعود در عربستان

نمایش اصلاحات به قصد بقا

سکوت در برابر تغییرات بن‌سلمان سعی می‌کند فضا را برای جلوگیری از خدشه به نظام و ساختار قدرت فراهم کند. اما دیدگاه دوم متفاوت از دیدگاه اول حاکی از عبور بن‌سلمان از وهابیت بر رسیدن به قدرت است. در این دیدگاه که به طور نسبی قابلیت بررسی دارد، تغییرات در این حوزه از حادثه منا در موسم حج شروع شد که برخی شواهد ر پای خود آل سعود را در آن حادثه که منجر به شهادت ۸ هزار نفر از حجاج شد، در دل خود داشت. نتیجه این اتفاق این‌ بود که در طول ۲ سال وزارت حج عربستان که از ابتدای قدرت گرفتن اتحاد آل‌سعود وهابیت در عربستان در اختیار وهابیت بوده، به جرم بی‌کفایتی وهابیت در اداره حج به دست آل سعود افتاد. این در حالی است که برخی کارشناسان مسائل بین‌الملل معتقدند در تحلیل اختلافات پیش آمده در ریاض نباید از عملکرد و باطن رفتاری این دو جریان غافل بود. در واقع به اعتقاد برخی ناظران مسائل عربستان، شکاف موجود میان خاندان سعودی و جریان دینی وهابیت که از سوی بن‌سلمان مدیریت می‌شود، ریشه در سلیقه دیرینه دستگاه سیاسی ریاض در برخورد با مردم عربستان دارد. کارنامه سیاهی که هر دو جریان موجود در برخورد با مردم و جنایات متناسب به خود بر جای گذاشته‌اند. در واقع امروز درگیری میان دو دیکتاتوری جنایتکار برای جذب منافع حتی با تحصیل جنایت‌های جدید دیگر است که شرایط فعلی وهابیون ویران سعودی خودگویای ولخمت اوضاع است.

آل‌سعود تثبیت کرده است. در برابر این خدمات نیز تاریخ

۸۰ ساله عربستان نشان می‌دهد آل سعود هیچ‌گاه اجازه نداده صدایی غیر از وهابیت ادعای فعالیت‌های دینی و مذهبی در عربستان داشته باشد و صرفاً اندیشه‌های غیرمعارف و حتی دور از عقل وهابی‌گری بر این کشور حاکم بوده است. بر اساس همین نگاه نیز می‌توان وضعیت امروز عربستان را بررسی کرد. در زمان قدرتمند شدن بن‌سلمان در این کشور، عربستان در شرایطی قرار داشت که اساساً شکست‌های متوالی منطقه‌ای و بن‌بست سیاست‌ها، این کشور را به سمت انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی سوق می‌داد و این مسأله می‌توانست باعث بلند شدن صداهای اعتراض سرکوب‌شده داخلی عربستان شود. در چنین شرایطی نیاز به فضای باز اجتماعی و سیاسی، هر چند به اندازه وسیع بین‌سلمان که فقط ظاهری سرگرم‌کننده داشت، می‌توانست نسخه نجات خاندان سعود باشد. در این بین وهابیت باز هم در همان نقش قبلی خود ظاهر شده و با